

# روزنامه‌نگاری شهروندی، محصول فناوری اطلاعات

دکتر هادی خانیکی  
استادیار علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی

زینب کوهیار

ناظر به ثبت وقایعی است که حکومت‌ها داشتند و وقایع نویسی با روزنامه نگاری فرق دارد. برای این که ببینیم روزنامه‌نگاری شهروندی چیست، طبیعتاً باید رسانه‌های شهروندی را مورد بررسی قرار بدهیم. این رسانه‌ها ایجاد شدند که روزنامه‌نگاری شهروندی متولد شده است. فکر می‌کنم که باید برگردیم به حدود ۱۲ سال پیش. بیش از یک دهه است که این اصطلاح در ادبیات روزنامه‌نگاری و در ارتباطات وارد و تعریف شده و بوجود آمده. در دهه گذشته، وقایعی اتفاق افتاد که منجر به جا افتادن این تعریف شد و ابزاری که روزنامه‌نگاری شهروندی را شکل داد، به این فرایند کمک کرد. یکی از مشهورترین پدیده‌هایی که منجر به توجه بیشتر به روزنامه‌نگاری شهروندی شد، ماجرای سقوط هواپیمایی است که از فرودگاه نیویورک بلند شده و پرواز می‌کند، اما ۲ دقیقه بعد دچار سانحه می‌شود، چون یک پرده داخل موتورش رفته بود. هشت دقیقه بعد هم خلبان با مهارت هواپیما را روی رودخانه می‌نشانند و ۱۵۵ نفر همه جان سالم به در می‌برند. یعنی ده دقیقه بعد از پرواز فرود می‌آید. هشت دقیقه بعد از سقوط، یکی از مسافران که در قایق نجات نشسته بود، از هواپیمای ساقط شده به کمک موبایلش عکسی را می‌گیرد و چند دقیقه بعد، این عکس روی یکی از پایگاه اینترنتی منتشر می‌شود. دوازده دقیقه بعد هم، در نیویورک تایمز چاپ می‌شود. سرعت انتشار خبر و عکس نسبت به بقیه و این که این عکس توسط چه کسی گرفته شده و این خبر توسط چه کسی تهیه شده، تفاوت اصلی هست که این نوع روزنامه‌نگاری را از روزنامه‌نگاری متعارف یا روزنامه‌نگاری جریان اصلی نشان می‌دهد. اگر به تجارب روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران نگاهی

در مصادیقی که درباره روزنامه‌نگاری شهروندی وجود دارد، گاهی اسم ویکی لیکس را بواسطه گفتمان متفاوتی که از جریان اصلی دارد می‌بینیم، و گاهی وبلاگ‌های شخصی که نویسندگان غیرحرفه‌ای دارند. در کل ابهامی در مورد این که آیا این مصادیق می‌توانند ذیل روزنامه‌نگاری شهروندی باشند یاخیر وجود دارد.

اصطلاح روزنامه‌نگاری شهروندی یک اصطلاح جدید است و طبیعتاً متأثر از تحولات حوزه ارتباطات و فناوری است. اگر این اصطلاح را تعریف کنیم، این ابهامی که می‌گویید، رفع خواهد شد. من به نمونه‌هایی از روزنامه‌نگاری شهروندی در عصر حاضر اشاره می‌کنم که به طور قطع، قبل از شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی هم می‌توان مثل آن‌ها را پیدا کرد. من هم این را نفی نمی‌کنم که برای هر پدیده تازه در جامعه مدرن چه در این حوزه و حوزه‌های دیگر، می‌توانید شبیهی در حوزه سنت هم پیدا کنید، که البته این شباهت لفظی و یا مشابهت‌های کارکردی نمی‌تواند در برگیرنده یک پدیده باشد. مثلاً در مورد واژه‌های مشترک و مربوط به روزنامه، عنصری شعری دارد که می‌گوید:

به روزنامه ایام در همه پیداست

اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان

هدف از راه‌اندازی روزنامه در قرن حاضر، این است که آگاهی مردم را بالا ببریم چون دانستن حق مردم است. عنصری هم واژه روزنامه را در شعرش آورده. آیا می‌توانیم نتیجه بگیریم که او هم این حق را به رسمیت شناخته؟ در صورتی که در بررسی تاریخی می‌بینیم، روزنامه‌ای که عنصری منظور است هست بیشتر

بیندازیم، می‌بینیم که روزنامه‌های حال حاضر، نسبت به گذشته چقدر پیشرفت کرده‌اند و حالا روزنامه‌نگاری شهروندی از آن‌ها، خیلی سریع‌تر عمل می‌کند.

این‌ها نشان می‌دهد که یک پدیده تازه‌ای رخ داده که این پدیده تازه، نوعی از روزنامه‌نگاری را بوجود آورده است که البته در تقسیم بندی‌های بعدی که در بحث شماسست می‌توانید آن را رقیب روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بدانید یا مکمل و همکارش. به نظر من متغیر اصلی که این نوع روزنامه‌نگاری را بوجود آورده است، متغیر فناورانه و تکنولوژیک است. جهان وارد جامعه اطلاعاتی شده و رسانه‌های شهروندی و شهروندان روزنامه‌نگار محصول این جامعه اطلاعاتی هستند که با فناوری‌های جدید رسانه‌ای پیوند دارند. نتیجه این پیوند در چرخه تولید خبر، رد کردن محدودیت‌هاست. پس می‌توان گفت رسانه‌های شهروندی و شهروندان روزنامه‌نگار یک بخشی از جامعه اطلاعاتی هستند که خودش یک پدیده تازه است و با فناوری‌های جدید رسانه‌ای پیوند دارد. در ضمن در چرخه تولید و نشر خبر می‌توانند محدودیت‌های اجتماعی اجرایی فرهنگی سیاسی و فناورانه را پشت سر بگذارند. برای همین است که به عنوان رسانه‌های جایگزین مطرح می‌شوند. حالا می‌توانید بگویید این رسانه‌ها قبل از جامعه اطلاعاتی هم بودند. من نظر شما را تایید می‌کنم. می‌توانید بگویید یک زمانی در انقلاب ایران رسانه جایگزین کاست در مقابل تلویزیون بود که پیام‌های امام را پخش می‌کرد. یا اعلامیه‌ها، دیوار نوشته‌ها و ... همه می‌توانستند به عنوان رسانه‌های جایگزین و شهروندی هم مطرح شوند. آن‌ها در تعریف ما از رسانه شهروندی می‌گنجد چون ایجاد کننده‌هایشان حرفه‌ای نیستند. یعنی تمام کسانی که روی دیوارها شعار می‌نویسند یا نوارها را تکثیر می‌کنند، حرفه‌ای نبودند اما بر رسانه جریان اصلی مثل تلویزیون و مطبوعات غلبه کردند. در عین حال نمی‌توانید نفی کنید که رسانه‌های تازه، از قدرت فناورانه بالاتری برخوردار هستند.

\* به چه اعتباری روزنامه‌نگاری شهروندی را از انواع دیگر روزنامه نگاری جدا می‌کنیم؟

به نظر من می‌توانیم برای روزنامه‌نگاری شهروندی ویژگی‌هایی را برشمریم تا این اعتبار مشخص شود: افراد عادی تولیدکننده محتوا هستند و البته مخاطب فعال دارند، یعنی یک نوع دادوستد و تعامل بین تولیدکنندگان و مخاطبان‌شان هست و بیش از رسانه‌های اصلی یا متعارف قابلیت تکثر و تنوع دارند و دموکراتیک‌تر هستند. من تعریف ارتباطی روزنامه‌نگاری شهروندی را عمدتاً ذیل تقسیم‌بندی مانوئل کاستلز که برای ارتباطات قائل شده، قرار می‌دهم. این تعریف البته متأثر از ورود به جامعه جدید و گذر از ارتباطات سنتی و جمعی به ارتباطات

خودگزین است.

کاستلز از این سخن می‌گوید که بر مجموعه‌ای از اشکال ارتباطات گذشته که عالی‌ترین شکلش ارتباطات جمعی است، این فناوری‌های جدید ارتباطی و ورود به جامعه اطلاعاتی، یک شکل خاصی از جامعه را تحت عنوان جامعه شبکه‌ای ایجاد کرده که ارتباطاتش افقی است. کاستلز می‌گوید این جامعه شبکه‌ای باعث شد که ارتباطات خودگزین بوجود آید و در این نوع از ارتباطات، سه خود نقش‌آفرینی می‌کنند؛ یک خود در تولید یک خود در توزیع و یک خود در دریافت. شهروندان عادی که اینجا به عنوان کنشگران در روزنامه‌نگاری شهروندی تعریف می‌شوند، عکس می‌گیرند یا اطلاع‌رسانی یک واقعه را انجام می‌دهند، غیرحرفه‌ای هستند و آموزش خاصی ندیده‌اند. علاوه بر این، در نشر محتوایی که خودشان تولید کردند، به یک مرکز رسانه‌ای متصل نیستند و ممکن است عکس را در وبلاگشان بگذارند یا توی سایتی گذاشته شود. درواقع ویژگی دومی که روزنامه‌نگاری شهروندی را از نوع متعارف روزنامه‌نگاری جدا می‌کند، اشتراک است. یعنی شهروندی روزنامه نگار محتوا را تولید می‌کند و به اشتراک می‌گذارد.

ما در روزنامه‌نگاری جریان اصلی پوشش خبری داریم ولی در اینجا به اشتراک گذاشتن خبر را داریم. محتوا را به اشتراک می‌گذاریم و حالا هرکسی می‌تواند از آن استفاده کند. این همان خود دوم یا خود توزیع است. خود سوم هم مصرف کننده یا کاربر است. کاربر هم در تعریف روزنامه‌نگاری شهروندی متفاوت است.

آیا روزنامه‌نگاری شهروندی، ژانر متفاوتی است و در مقابل روزنامه‌نگاری متعارف یا کلاسیک قرار می‌گیرد؟

ویژگی‌هایی که برشمریم، نشان می‌دهد که روزنامه‌نگاری شهروندی یک نوع روزنامه‌نگاری در برابر روزنامه‌نگاری کلاسیک نیست. درواقع یک شکل از روزنامه‌نگاری است که بر روزنامه‌نگاری کلاسیک هم اثر می‌گذارد. یکی از اثرهایش هم این است که خود منابع خبری متفاوت می‌شوند. منابع انحصاری خبری که در گذشته خبرگزاری‌ها بودند حالا متأثر از روزنامه‌نگاری شهروندی، شکسته شده‌اند یا شکل تازه‌ای پیدا کرده‌اند. مثل خبرگزاری اوه‌مای نیوز در کره جنوبی که می‌توانست انحصار مطبوعات بزرگ را بشکند و محدودیتی را که برایش ایجاد کرده بودند دور بزند. در ضمن، نمونه‌هایی داریم که شهروندی‌روزنامه‌نگار، به جریان اصلی پیوسته و در رسانه‌های بزرگ کار کرده است. روزنامه‌نگاری شهروندی دشمن روزنامه‌نگاری متعارف نیست بلکه نقش مکمل را ایفا می‌کند که این نقش را، بواسطه پیشرفت فناوری دارد.

«به نقل از سایت پیام روابط عمومی»